

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱، مروری بر مدل میدورز

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

به دوره آموزشی ما در مورد الهیات کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا خوش آمدید. دفعه قبل در مورد مقدمه، فهرست مطالب صحبت کردیم و به شما کمک کردیم تا با کل مجموعه آشنا شوید. و امروز چیزی را باید مطمئن، GM 1 به عنوان درس اول، درس اول می‌نامیم، شروع می‌کنیم. در دوره GM 1 که در این دوره شوید که یادداشت‌های خود را بازیابی می‌کنید.

این بار عمدتاً اسلایدهای پاورپوینت خواهند بود. بسته به موقعیت مکانی و امکانات فناوری‌تان، می‌توانید آنها یا پاورپوینت داشته باشید. اما آنها در کنار شما خواهند بود و مهم است که هنگام گوش PDF را به صورت دادن به من، آنها را جلوی خود داشته باشید.

همانطور که گفتم، یادگیری نه تنها به شنیدن، بلکه به نگاه کردن و دیدن نیز نیاز دارد. و شما می‌توانید نظرات من را به یادداشت‌ها متصل کنید و فکر می‌کنم اگر این کار را انجام دهید، برای شما بسیار سودآورتر خواهد بود. بسیار خوب، حالا این درس، همانطور که در موقعیت قبلی به شما اشاره کردم، در مورد مروری بر مدل من است.

من قصد دارم از طریق این ارائه اسلاید، به تصویر کلی نگاه کنم. تعدادی اسلاید وجود دارد. می‌توانم مدت زیادی در این مورد صحبت کنم، اما این کار را نمی‌کنم.

من قصد دارم به سرعت از آن عبور کنم زیرا به درس‌های بعدی برمی‌گردم و تک تک مواردی را که در این مرور کلی در مورد آنها صحبت می‌کنم، پوشش می‌دهم، آن را با جزئیات بیشتری باز می‌کنم و امیدوارم درک شما از آن را افزایش دهم. بنابراین در حال حاضر، تنها کاری که می‌خواهم در این درس انجام دهم این است که به شما کمک کنم تا مدل من را درک کنید. بسیار خوب، اول از همه، تشخیص اراده خدا از نظر تفکر ما چه چیزی را می‌طلبد؟ خب، این امر مستلزم یک دیدگاه کتاب مقدسی در مورد دانستن است.

ما داریم درباره دانستن اراده خدا صحبت می‌کنیم. دانستن یک مقوله مربوط به زندگی است. در واقع یک مقوله فلسفی بسیار اساسی است.

ما از کلمه معرفت‌شناسی استفاده می‌کنیم. ممکن است برای شما اصطلاح جدیدی باشد، اما از کلمه یونانی به معنای دانستن گرفته شده است. در مقدمه‌ای بر فلسفه، درباره هستی‌شناسی صحبت خواهید کرد.

این بودن است. من کیستم؟ شما درباره معرفت‌شناسی و دانستن صحبت خواهید کرد. من چه می‌دانم؟ چگونه می‌دانم؟ اعتبار دانش من چیست؟ و درباره انجام دادن صحبت خواهید کرد.

ارزش‌شناسی اصطلاحی است، و این همان کاری است که شما قرار است در نتیجه‌ی دانستن انجام دهید. بسیار خوب، پس دانستن اراده‌ی خدا مستلزم آن است. علاوه بر این، مستلزم دیدگاهی در مورد چگونگی خواندن کتاب مقدس و خواندن کتاب مقدس در متن آن است، نه متن اصلی.

این یک بیماری است. بسیاری از اوقات در کلیساها، مردم از کتاب مقدس مانند یک تخته احضار روح استفاده می‌کنند. آنها فقط آن را باز می‌کنند و یک آیه پیدا می‌کنند و آنقدر آن را باز می‌کنند تا آیه‌ای پیدا کنند.

که کلماتش چیزی را که می‌خواهند بشنوند بگوید یا در موقعیتی که با آن روبرو هستند صدق کند. اما این سوءاستفاده از کتاب مقدس است.

ما باید کتاب مقدس را در بافت خودش بخوانیم. ما کل کتاب مقدس را به عنوان یک بافت داریم. بخش‌هایی از کتاب مقدس را به عنوان یک بافت داریم.

ما کتاب‌ها را به عنوان زمینه داریم. ما پاراگراف‌ها و فصل‌های جداگانه‌ای در این کتاب‌ها داریم که هر کدام زمینه‌ای دارند. بنابراین، ما باید به کتاب مقدس توجه کنیم زیرا به معنای کتاب مقدس علاقه‌مندیم تا بتوانیم راهی مشروع برای پاسخ به این سوال داشته باشیم که در موقعیت خاص من به چه معناست؟ شما باید از معنا «به» وسیله «بروید»

سوم، رومیان ۱۲: ۱ و ۲ یک متن کلیدی در مورد شناخت اراده خداست. و ما قصد داریم از آن به عنوان یک الگو استفاده کنیم، با تجدید ذهن خود متحول شوید. و در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

ما همچنین در مورد درک چگونگی عملکرد مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها صحبت خواهیم کرد، زیرا هسته اصلی الگوی من برای شناخت اراده خدا، یعنی عمل کردن بر اساس یک مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها، همین است علاوه بر این، در مورد مواجهه با چالش‌های ذهنی، وجدان، روح، دعا، منشأ و برخی از این مسائل صحبت خواهیم کرد. در پایان به این موارد خواهیم پرداخت، اگرچه احتمالاً کنجکاو شما بیشتر معطوف به مواردی است که در ابتدا مطرح شده‌اند.

اما می‌توانید گلچینی از آنها را انتخاب کنید و به برخی از آنها گوش دهید. اما واقعیت این است که شما باید الگو را به طور کلی درک کنید. و علاوه بر این، سیستمی برای تشخیص سوالات

من حداقل یک ایده در مورد نحوه پردازش تصمیمات به شما خواهیم داد. بیشتر تصمیماتی که قرار است با آنها روبرو شوید، تصمیماتی نیستند که کتاب مقدس مستقیماً به آنها اشاره کند. این سخنرانی شماره سه یا چهار است که در آن در مورد نحوه تعلیم کتاب مقدس صحبت خواهیم کرد.

این روش به روش‌های مستقیم، ضمنی و با ساختارهای خلاقانه‌ای که ما به کل کتاب مقدس ارائه می‌دهیم آموزش می‌دهد. بنابراین، من در مورد سیستمی برای تشخیص سوالات مربوط به کتاب مقدس و سوال مورد نظر صحبت خواهیم کرد. علاوه بر این، هدف این مطالعه چیست؟ من امیدوارم با شما به چه چیزی دست یابم؟ شما به عنوان فردی که نشسته و به این سخنرانی‌ها گوش می‌دهد، امیدوارید به چه چیزی دست یابید؟ خب، بفرمایید.

امیدوارم که شما این کار را بکنید، و امیدوارم بتوانم فردی تربیت کنم که در تأمل و تفکر خودآگاه باشد. همه این کلمات پر از حرف هستند. تأمل و تفکر خودآگاه

شما می‌توانید در مورد تصمیمات زندگی به شیوه‌ای انتقادی و مطابق با جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های کتاب مقدس فکر کنید. خب، این خیلی حرف دارد. این یک ایده بسیار مهم است.

این چیزی است که ما می‌خواهیم در نهایت به آن دست یابیم. می‌خواهم در مورد تصمیماتتان خودآگاه باشید. می‌خواهم فقط به صورت عمل‌گرایانه تصمیم نگیرید.

من می‌خواهم شما تصمیمی بگیرید چون دلایلی برای انجام این کار دارید و در مورد آن فکر کرده‌اید. این یک تصمیم آگاهانه است. خدا شما را طوری آفریده که بتوانید این کار را انجام دهید.

بنابراین، یک تأمل خودآگاه. من می‌خواهم که شما انتقادی فکر کنید، که تا حد زیادی به تفسیر کتاب مقدس، مربوط می‌شود، و این توانایی را داشته باشید که نه تنها یک خوانش سطحی از کتاب مقدس داشته باشید بلکه آن را بررسی کنید تا بفهمید. و می‌خواهم بتوانید تصمیمی را که قرار است بگیرید نیز بررسی کنید.

به عبارت دیگر، شما روی چه چیزی کار می‌کنید؟ آیا روی سقط جنین، تراجنسیتی‌ها، آموزش برای خودتان برای فرزندان کار می‌کنید؟ این چیزها. شما باید بتوانید این را و همچنین روند خودتان را ثابت کنید. ما همه این کارها را به روشی سازگار با جهان بینی و ارزش‌های کتاب مقدس انجام می‌دهیم.

بنابراین ابتدا باید جهان بینی و ارزش‌های کتاب مقدسی خود را آگاهانه در ذهن داشته باشید، و آگاهانه نحوه‌ی انجام آن را کنترل کنید. حالا شما خواهید گفت، من این را نمی‌خواهم. این خیلی پیچیده است.

فقط پنج چیز به من بگو. پنج کار به من بگو تا آدم شادی باشم. خب، یه خبری برات دارم.

ممکن است خوشحال باشید، اما ممکن است در نحوه‌ی زندگی و نحوه‌ی برخورد با سوالات زندگی، درست و حسابی عمل نکنید. دوستان، مسیحیت، از برخی جهات، بالاتر از همه ادیان، یک فرآیند ذهنی است. خداوند می‌گوید در فیض و دانش خداوند عیسی مسیح رشد کنید.

کلمه دانش و مفهوم دانستن در سراسر کتاب مقدس نفوذ کرده است. و اگر ما دانش آموز کلام نباشیم، همانطور که پولس حتی به تیموتائوس گفت که باشیم، پس آنچه را که خدا برای ما دارد از دست می‌دهیم. ما نمی‌توانیم راه خود را در زندگی گم کنیم.

ما نمی‌توانیم زندگی را به طور تصادفی و بدون برخورد به ستون‌ها طی کنیم. ما باید با متون مقدس ارتباط برقرار کنیم و زندگی را با متون مقدس پیوند دهیم. بنابراین هدف مطالعه ما همین است.

من به نوعی پیشنهاد می‌کنم که آن را روی یک کارت بنویسید و آن جمله را حفظ کنید تا بتوانید در طول مطالعه و در طول زندگی به آن فکر کنید. حال، تشخیص اراده خدا، قبل از هر چیز، مستلزم یک معرفت‌شناسی کتاب مقدسی است. حال، به یاد داشته باشید، معرفت‌شناسی اصطلاحی است که موضوع دانستن را پوشش می‌دهد.

من چه می‌دانم؟ خب، چطور می‌دانیم چه می‌دانیم؟ این سوال کمی عجیب به نظر می‌رسد، نه؟ چطور می‌دانیم چه می‌دانیم؟ اول از همه، معرفت‌شناسی به منابع، ماهیت و اعتبار دانش مربوط می‌شود. منابع دانش، به طور سنتی و کلاسیک، حواس ما، احساسات ما، شنوایی ما، بینایی ما و عقل ما، توانایی ما در ارتباط منطقی با چیزی و استدلال در مورد آن هستند. همچنین به مرجعیت مربوط می‌شود.

همه ما به نوعی زندگی خود را به عنوان مسیحی در آن دسته از اقتدار شروع می‌کنیم. ما کاری را انجام می‌دهیم که مردم به ما می‌گویند باید انجام دهیم. دیر یا زود، ممکن است بگوییم، من مطمئن نیستم که این درست باشد، و به کتاب مقدس می‌رسیم و به آن نگاه می‌کنیم.

اما مرجعیت جنبه‌ای از دانش است. این یک جنبه ثانویه است زیرا حواس و عقل در اولویت هستند. و سپس شهود.

شهود چیزی نیست که خانم‌ها دارند. می‌دانید، شهود مخصوص خانم‌هاست. شهود اساساً آن دژاووی نیست. که گاهی اوقات در زندگی تجربه می‌کنیم.

اوه، فکر می‌کنم قبلاً اینجا بوده‌ام. فکر می‌کنم قبلاً این کار را انجام داده‌ام. چطور قبلاً به آن فکر کرده بودم؟ با این حال، در فلسفه، شهود مانند عرفان شرقی است.

در مفهوم کتاب مقدس، شهود معادل وحی است. خداوند خود را آشکار کرده است. و این شهود به معنایی که بسیاری از مردم از این کلمه استفاده می‌کنند، نیست، اما منبع دانشی است که ما داریم.

و این از کتاب مقدس می‌آید، نه فقط از تفکر ما در مورد چگونگی نگاهمان به آن موضوع. ما باید به چیزی بپردازیم که عینی‌تر باشد. و این ما را به نکته بعدی می‌رساند.

معرفت‌شناسی امری عینی و ذهنی است. شنیده‌اید که کسی می‌گوید، اگر درختی در جنگل بیفتد و کسی آنجا نباشد که صدای آن را بشنود، آیا صدایی ایجاد می‌کند؟ این یک سوال کلاسیک یونان باستان است که به بررسی مسئله دانش به عنوان عینی یا ذهنی می‌پردازد. ما به عنوان مسیحیان، روی هم رفته، دانش را به شیوه‌ای عینی در نظر می‌گیریم.

بنابراین پاسخ به این سوال این است که خلقت عینی است. حتی اگر ما آنجا نباشیم، باز هم صدایی ایجاد می‌شود. اگر یک ضبط صوت داشتید و هیچ انسانی آنجا نبود، آن را می‌شنیدید.

در حالی که جنبه‌ی ذهنی می‌گوید واقعیت، واقعیت نیست مگر اینکه من آن را تجربه کنم. حالا، این ساده‌انگارانه است، اما این کمی مربوط به چیزی است که ما هنگام بحث در مورد دانش در مورد آن صحبت می‌کنیم. سپس اعتبار دانش، مطابقت و انسجام وجود دارد.

مکاتبات این‌طور هستند، اگر من در اتاقی با سقف حلبی نشسته باشم، می‌دانم چه زمانی باران می‌بارد، چون صدای آن را می‌شنوم. و لازم نیست بیرون بروم و خیس شوم تا بفهمم باران می‌بارد، زیرا صدای باران روی سقف را با تجربه‌ام مرتبط می‌کنم، بنابراین بدون دیدن آن می‌دانم که باران می‌بارد. لازم نیست چیزها را ببینید تا چیزها را بدانید.

و سپس انسجام نیز وجود دارد که بیشتر با جنبه عقلانی زندگی و نحوه استدلال مسائل سروکار دارد. حال، این یک مرور کلی بسیار سریع از این سوال است که چگونه می‌دانیم چه می‌دانیم. کتاب‌هایی در همین اسلاید نوشته شده است و من فقط می‌خواهم شما این واقعیت را درک کنید که دانستن یک مسئله بسیار چالش برانگیز است.

بعد، به نظر شما کتاب مقدس چگونه این خلاهای معرفت‌شناختی را پر می‌کند؟ مثلاً در مورد منابع. خوب، منبع ما کتاب مقدس است. منبع ما کتاب مقدس است.

اما ما به کتاب مقدس هم از دیدگاه عقل و هم از دیدگاه انسجام آن نگاه می‌کنیم. ما درباره وحدت کتاب مقدس و اینکه کتاب مقدس را با کتاب مقدس تفسیر می‌کنیم، صحبت می‌کنیم. کتاب مقدس با خودش تناقض ندارد.

این دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسائل دارد. بنابراین، ما هنگام درک کتاب مقدس از استدلال زیادی استفاده می‌کنیم. شهود این حس است که خداوند به ما وحی داده است.

و ما بیشتر در مورد چگونگی عملکرد پردازش درونی ما از نظر آنچه که ما آن را اعتقاد به برخورد با آن منبع می‌نامیم، صحبت خواهیم کرد. همچنین، ابهامات معرفت‌شناختی در مورد ماهیت. منابع، ماهیت و اعتبار

ماهیت دانش عینی است و اعتبار آن هم در انسجام و هم در رابطه با مسئله تطابق و نظریه شناخت مشخص می‌شود. حالا، لازم نیست همه این چیزها را بدانید، اما من فقط می‌خواستم این را به شما بگویم زیرا معرفت‌شناسی موضوعی ساده‌انگارانه نیست. چیزی است که باید در مورد آن فکر کنیم.

چگونه می‌دانیم چه می‌دانیم، ماهیت آنچه می‌دانیم چیست و چگونه آنچه را که می‌دانیم اثبات می‌کنیم؟ این حوزه معرفت‌شناسی است. با این حال، در جهان‌بینی مسیحی، ما با مشکل مواجه هستیم زیرا جهان در واقع بر اساس مدل منابع، ماهیت و اعتبار دانش عمل می‌کند.

هر فیلسوفی صرف نظر از گرایش مذهبی یا فلسفی‌اش، با این موضوع سروکار دارد. خداناپوران با آن سروکار دارند. مسیحیان با آن سروکار دارند.

مسلمانان با آن سر و کار دارند. هندوها با آن سر و کار دارند. همه با آن سر و کار دارند.

اما در جهان‌بینی مسیحی، ما چیزی داریم که به طور خاص در جهان‌بینی ما مهم است و بر شناخت ما تأثیر می‌گذارد و این چیزی است که به آن مربوط می‌شود. یک معضل وجود دارد. یک معضل در شناخت خدا وجود دارد.

برای مثال، خدا از ازل وجود داشته است. او آمد و آدم و حوا را آفرید. آنها در باغ عدن هستند، احتمالاً نه برای مدت طولانی، و آنها از خدا نافرمانی کردند و ما از نظر الهیاتی این را هبوط می‌نامیم. آدم و حوا هبوط کردند.

آنها گناه کردند. آنها از باغ عدن بیرون رانده شدند. این روایت متا از کتاب مقدس است.

داستان اصلی همینه. اما اتفاقی که برایش می‌فته اینه که وقتی ما به خدا نگاه می‌کنیم، داریم از این طرف نگاه می‌کنیم، داریم از میان اعوجاج نگاه می‌کنیم.

برای مثال، سقوط، آنچه را که در طبیعت می‌بینیم، تحریف کرده است. وقتی داوود گفت آسمان‌ها جلال خدا را اعلام می‌کنند، آسمان، کار دست او را نشان می‌دهد. او این را گفت زیرا به آنچه کتاب مقدس گفته بود و آنچه موسی گفته بود و آنچه سنت در طبقه‌ی اعتقادی خودش به عنوان یک یهودی به او می‌گفت، اعتقاد داشت.

اینگونه بود که او می‌دانست آسمان‌ها جلال خدا را اعلام می‌کنند. یک ملحد بیرون می‌رود و به آسمان نگاه می‌کند و مشت خود را در هوا تکان می‌دهد و می‌گوید، اگر واقعاً خدا هستی، مرا بکش، و هیچ اتفاقی نمی‌افتد. و بنابراین او نتیجه می‌گیرد که خدایی وجود ندارد.

خب، این احمقانه است. اما واقعیت این است که ما باید از میان تحریف‌ها عبور کنیم. و این تحریف پیچیده است، زیرا نه تنها داده‌ها را بررسی می‌کنیم، بلکه نحوه‌ی نگاه ما به آنها نیز مهم است.

ما خودمان هم دچار تحریف شده‌ایم. چیزی وجود دارد که متکلمان آن را اثر هبوط می‌نامند. یعنی هبوط نه تنها بر زمین تأثیر گذاشت، بلکه همانطور که خدا به آدم و حوا گفت، قرار است به جای لوبیا سبز، خار نصیبتان شود.

شما با باغ‌هایتان مشکل خواهید داشت. زندگی آنطور که می‌توانست خوب پیش نخواهد رفت. بنابراین، ما باید با خودمان کنار بیاییم.

همانطور که بارها در کتاب مقدس آمده است، ما توسط گناه کور شده‌ایم. بنابراین، راه حل خدا برای این معضل این است. و شما باید اول قرن‌تینان ۲: ۶-۱۰ را باز کنید.

بعداً در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد، بنابراین الان فقط می‌توانم مروری بر آن داشته باشم. به یاد داشته باشید، ما فقط یک مرور کلی داریم. کتاب مقدس به ما می‌گوید که اول قرن‌تینان ۲: ۶-۱۰ در فصل‌های گنجانده شده است ۴-۱.

آیات ۶: ۲-۱۰ عذرخواهی پولس است که چرا پیام صلیب او پیام درست و برتر است. و پاسخ پولس به کسانی که او را تحت فشار قرار می‌دادند این است که خدا آن را وحی کرد. آیه ۱۰ از فصل ۲، خدا وحی کرد.

بنابراین پولس از یک زمینه وحیانی صحبت می‌کند که در آن خدا با پولس ارتباط برقرار می‌کند و پولس از طریق آن وحی که در کتاب مقدس رمزگذاری شده است با ما ارتباط برقرار می‌کند. برای ما، وحی‌ای که داریم کتاب مقدس است و بس.

به همین دلیل است که کتاب مقدس بسیار مهم بود، زیرا پایه و اساس دانش ماست. و بنابراین، خدا با دادن آن ارتباط، یعنی کتاب مقدس، بر تحریف گناه غلبه کرد تا او را بشناسد. و با این حال، حتی پس از آن نیز هنوز یک معضل وجود دارد.

ما کتاب مقدس بی‌نقصی داریم، اما خوانندگان بی‌نقصی نداریم. ما کتاب مقدس الهام‌شده داریم، اما مفسران الهام‌شده نداریم. بنابراین، حتی در خواندن و مطالعه کتاب مقدس نیز با سردرگمی مواجه هستیم و مردم به نظرات مختلفی می‌رسند.

این بخش بزرگی از جهان‌بینی کتاب مقدس است. به هر دلیلی، در احکام خدا، او به ما متنی از کتاب مقدس داده که کافی است، اما ما خودمان بارها و بارها برای بیرون کشیدن آن کافی نیستیم. اما ما مسئول انجام این کار هستیم.

و من فکر می‌کنم در نهایت، خدا ما را به تصویر خود آفریده است، و بخشی از این تصویر، تلاش برای شناخت خدا، تلاش برای عمل کردن به کتاب مقدس در رابطه با تصمیماتمان است تا بتوانیم آن را به روشی که خدا می‌خواهد، به بهترین شکل ممکن انجام دهیم. و به هر دلیلی، در احکام خدا، او سیستم را طوری آفریده است که به این شکل عمل کند و به ما تنوع می‌دهد. وحدت وجود دارد، و تنوع نیز وجود دارد.

بنابراین، ما حتی وقتی کتاب مقدس را به دست می‌آوریم، انگار توپ را به زمین می‌اندازیم. اما واقعیت این است که ما خیلی جلوتر هستیم زیرا حداقل کتاب مقدس را داریم. بنابراین، راه حل خدا برای این معضل

و بعداً به اول قرن‌تینان ۲: ۶-۱۰ نگاهی خواهیم انداخت. باید از اینجا بگذریم. فقط یک مرور کلی داریم.

بنابراین، داستان کتاب مقدس، با نتایج هبوط، وضعیتی شبیه به آدم و حوا را نشان می‌دهد. ببخشید، من یادداشت‌هایم را اینجا می‌گذارم. نتایج داستان کتاب مقدس در مورد هبوط در آن داستان، یک جهان‌بینی را ارائه می‌دهد.

ببینید، هبوط هسته‌ی جهان‌بینی ماست. و رومیان توضیح می‌دهد که منظور از موجودی هبوط کرده چیست. این زیبا نیست.

هیچ‌کس افکار خدا را در سر نمی‌پروراند. همه ما در حال طغیان علیه خدا هستیم. و تغییر دین، از طریق مسیحی شدن، مؤمن شدن به خدا، چه عهد عتیق و چه عهد جدید، به ما کمک می‌کند تا به سمت مؤمنی مطیع و کسی که می‌داند خدا چه می‌خواهد، حرکت کنیم.

اما واقعیت این است که ما هنوز با سقوط جهان و خودمان دست و پنجه نرم می‌کنیم. بنابراین، بصیرت مستلزم درک این موضوع است. اینکه این موضوع چگونه بر ما تأثیر می‌گذارد، بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اما به همین دلیل است که جهان‌بینی و ارزش‌های کتاب مقدس، سیستم من برای تشخیص اراده خداست، زیرا این تنها مسیر مطمئنی است که داریم. ما باید خودمان را به آموزه‌های خدا متصل کنیم. بنابراین تشخیص اراده خدا نیازمند یک روش تفکر جدید است.

این چه طرز فکری است؟ راه حل دوگانه. از یک طرف، خدا خود را آشکار کرده است. کتاب مقدس کلام خداست.

این وحی خداست. این چیزی است که ما آن را آشکارسازی خدا به خود می‌نامیم. و ما آن کلام مطمئن شهادت را داریم، چراغی برای پاهایمان.

انواع استعاره‌هایی که کتاب مقدس استفاده می‌کند تا به ما بگوید چقدر مهم است. اشعیا گفت، به کلام و به شهادت. اگر آنها طبق آن صحبت نکنند، پس از جانب خدا نیستند.

اولاً، یوحنا تقریباً همین را می‌گوید. بنابراین، در تمام طول روایت کتاب مقدس، ما پای خود را در کتاب مقدس محکم نگه می‌داریم. خدا خود را آشکار کرده است.

او سابقه‌ای از آن وحی را برای ما به جا گذاشته است، و در طول زمان سوابق بیشتری را بررسی نمی‌کند. آن سابقه بسته شده است و ما مسئول رسیدگی به آن هستیم. علاوه بر این، از سوی دیگر، ما مسئولیم که از آن سابقه خارج شویم و اراده خدا را در موقعیت‌های خود تشخیص دهیم.

این مسئولیت ماست. ما کامل نیستیم. وحی کامل است، اما ما کامل نیستیم.

در نتیجه‌ی آن تنش، ما سفر مسیحی خود را داریم. اگر صادق باشیم، این سفری بسیار چالش‌برانگیز است و سفری است که تنوع آن گاهی اوقات ما را گیج می‌کند، اما ما به عنوان مؤمنان به مسیح و مؤمنان به مرجعیت کتاب مقدس، وحدتی داریم. و ما این وحدت را در بافت انسانی خود بررسی می‌کنیم.

رومیان ۱۲: ۱ و ۲ هسته اصلی همه این موارد هستند. این آیات چه می‌گویند؟ رومیان ۱۲، ۱ و ۲. بنابراین adelphoi برادران و خواهران، از شما درخواست می‌کنم. ضمناً، در کتاب مقدس، کلمه برادران به صورت آمده است.

این یک اصطلاح یونانی است که شامل شوهران، همسران و فرزندان می‌شود و کل گروه را در بر می‌گیرد. بنابراین، گفتن «برادران و خواهران» مشروع است تا خانم‌ها در اینجا احساس نکنند که نادیده گرفته

شده‌اند. به لطف خدا، شما باید بدن‌های خود را به عنوان یک قربانی زنده، مقدس و قابل قبول برای خدا تقدیم کنید، که این عبادت معنوی یا خدمت عقلانی شماست.

اینجا مشکلاتی در ترجمه وجود دارد. بنابراین، از یک استعاره کتاب مقدس استفاده می‌کند: ما یک قربانی زنده هستیم.

فداکاری این نیست. فداکاری‌ها می‌گیرند. ما یک قربانی زنده هستیم.

همانطور که پولس بعداً می‌گوید، ما با مسیح مصلوب شده‌ایم. با این دنیا همشکل نشوید. بگذارید این را از شما پرسم.

دنیاپرستی چیست؟ دنیاپرستی به معنای اندیشیدن به افکار خدا نیست. دنیاپرستی به معنای اندیشیدن برخلاف افکار خداست، زیرا این مقوله، اگر بخواهید، خارج از فرآیند مورد تایید از نظر پیروی از خداست. این دنیاپرستی است.

پس با این دنیا و جهان‌بینی و ارزش‌هایش هم‌رنگ نشو، بلکه با نوسازی ذهن متحول شو. تحول یک فرآیند ذهنی است. بخشی است که قرار است به تفصیل در مورد آن صحبت کنیم.

با آزمایش، می‌توانید تشخیص دهید که اراده خدا چیست. می‌بینید، این متن به شما نمی‌گوید. فقط دعا کنید و خدا به شما خواهد گفت که چه کاری انجام دهید. این متن می‌گوید که شما مسئولیتی دارید.

شما مسئولیت دارید که متحول شوید. و این به چه معناست؟ خب، باید این را باز کنید. این جنبه‌ای از یادگیری و آموزش است.

متاسفم، اما عینک من کمی کج است، بنابراین مدام آن را تنظیم می‌کنم. این فرآیندی است که باید تغییر کند. در این تغییر، شما یک جهان‌بینی و ارزش‌ها را توسعه می‌دهید و سپس از کل این مجموعه برای آزمایش مسائل زندگی استفاده می‌کنید تا بتوانید تشخیص دهید که اراده خدا چیست.

و این به معنای یافتن اراده خدا نیست. تشخیص، به یک معنا، به معنای فهمیدن آن است. اما در نهایت تشخیص ما به متون مقدس گره خورده است، نه چیزی خارج از متون مقدس.

ما به دنبال اطلاعات خارج از کتاب مقدس نیستیم. ما به دنبال اطلاعاتی هستیم که از قبل داریم. مثل این است که یک نویسنده کتابی در مورد اراده خدا نوشته باشد و عنوان آن «یافتن اراده خدا» باشد و عنوان فرعی آن «یک مفهوم بت‌پرستانه» باشد. کتاب مقدس هرگز به شما نمی‌گوید که اراده خدا را در هر زمانی پیدا کنید.

شاید برایتان عجیب به نظر برسد. کتاب مقدس مدام می‌گوید که اراده‌ی خدا را انجام دهید. اراده‌ی خدا را به جا آورید.

خدایا، خواهش می‌کنم. با اطاعت، رضایت خدا را جلب کن. اطاعت یک مقوله‌ی «انجام دادن» است.

و این نکته‌ی مهمی است که در بررسی متون مقدس خواهیم دید. بنابراین، تبدیل، این مدلی است که ما قصد داریم در تعدادی از سخنرانی‌ها ضمن بررسی همه چیز، بر آن تأکید کنیم و به شما نشان دهیم. حالا بیایید در

یادداشت‌هایمان به اسلاید بعدی برویم تا به شما نشان دهیم که چگونه این ذهن تبدیل‌کننده کار می‌کند تا تصویر بزرگی به شما ارائه دهد.

در سمت چپ، «مشترک برای همه» را دارید. این یعنی داده‌ها. این سمت داده‌های شماست.

در سمت راست، محصول، این محصول است. اما محصول از کجا می‌آید؟ از ذهن می‌آید.

حالا، توجه کنید که چطور ذهن را ترسیم کرده‌ام. ذهن به شکل قلب ترسیم شده است، همانطور که یک فرد به قلب خود باور دارد.

قلب در کتاب مقدس جایگاه احساسات نیست. برآمدگی اسپلانک، دل، بطن شفقت، جایگاه احساسات در کتاب مقدس است. اما قلب در کتاب مقدس همین جاست.

به همین دلیل است که من ذهن را به شکل قلب کشیدم. و شما باید هنگام خواندن کتاب مقدس به این موضوع فکر کنید. زیرا عیسی گفت، مسائل زندگی از قلب سرچشمه می‌گیرند.

این از احساسات شما نیست. این از تفکر شماست. بنابراین قلب در کتاب مقدس همان ذهن است.

خب، شما داده‌ها را از اینجا می‌گیرید، آنها را از طریق شبکه عبور می‌دهید و یک حاصلضرب به دست می‌چطور؟ این اصطلاحی است که باید تعریف شود \sin ، \sin می‌آورید. خب، در مورد کلمه

خب، یک ملحد گناه را از طریق شبکه خود بررسی می‌کند، و چه چیزی از آن بیرون می‌آید؟ حماقت. یک اصطلاح مذهبی که چیزی را به شما می‌گوید که درست نیست. شما یک مسیحی را در نظر بگیرید، و گناه را از طریق شبکه بررسی می‌کنید.

معلوم می‌شود که گناه، تخطی از اراده‌ی آشکار خداست. بسیار خب، ما تعاریفمان را از اینجا می‌گیریم، نه از اینجا، و نه فقط از اینجا. ما باید داده‌ها را هنگام عبور از شبکه‌ی خود تا رسیدن به محصول تفکرمان، اعتبارسنجی کنیم.

این روند است. ما از طریق کتاب مقدس به صورت عمودی تغییر شکل می‌دهیم. این باعث ایجاد یک مانع فکری می‌شود.

ما داده‌ها را از طریق آن عبور می‌دهیم. این به ما یک محصول می‌دهد. بنابراین ذهن متحول شده در هسته اصلی هر کاری است که ما انجام می‌دهیم.

داده‌ها، ذهن، معنا. بسیار خب، بیایید یک قدم دیگر برداریم. این ذهن دگرگون‌شده است.

جهان‌بینی و ارزش‌ها چیست؟ خب، مجموعه جهان‌بینی و ارزش‌ها. حدس بزنید چی شد؟ جهان‌بینی و ارزش‌ها یکی هستند. داده‌ها به مجموعه جهان‌بینی و ارزش‌ها وارد می‌شوند.

چیزی که شما توسط ذهن متحول شده در حال توسعه آن هستید، و از طرف دیگر معنا بیرون می‌آید بگذارید یک مثال برایتان بزنم. خب، این مرد در حال رانندگی با پورشه در جاده است و شما پلاک یا برجسب سپر ماشین او را می‌بینید.

باید به برجسب سپر ماشین باشه چون به برجسب بزرگ اونجا هست. کسی که با بیشترین اسباب‌بازی بمیره برنده‌ست. این به جهان‌بینیه.

آن شخص همین الان به شما گفته است که مهم این است که چقدر پول دارید، یعنی چقدر ارزشمند هستید و در زندگی چه معنایی دارید. پول نداشتن، چیز خوبی نیست. پول زیاد، واقعاً خوب است.

کسی که با بیشترین اسباب‌بازی بمیرد، برنده است. این یک جهان‌بینی است. خب، اگر این ایده را از ذهن دگرگون‌شده عبور دهید، چه اتفاقی می‌افتد؟ شما با کسی که با بیشترین اسباب‌بازی برنده می‌شود، بیرون نمی‌آید.

کسی که اسباب‌بازی‌های بیشتری دارد برنده می‌شود. شما با عشق به خدا، خدمت به دیگران، عشق به خدا و عشق به همسایه‌تان از این مرحله بیرون می‌آید. شما با دیدگاهی کاملاً متفاوت از زندگی از این مرحله بیرون می‌آید.

زندگی در مورد دارایی‌ها نیست. در مورد زندگی کردن است. دارایی‌ها مهم هستند.

ابراهیم چیزهای زیادی داشت. داوود هم چیزهای زیادی داشت. اما واقعیت این است که تمرکز روی این نیست.

تمرکز بر اطاعت از کلام خداست. بنابراین، وقتی مسیحی می‌شوید، طرز فکر کاملاً متفاوتی خواهید داشت. این مثال دیگری است که یک بار از یک کشیش شنیدم.

او گفت که قبل از اینکه مسیحی باشد، اشیا را دوست داشت و از انسان‌ها استفاده می‌کرد. حالا شما این را تجربه کرده‌اید، اینطور نیست؟ شاید من هستم و همه شما در این مورد گناهکار هستید. دوست داشتن اشیا، استفاده از انسان‌ها.

این یک جهان‌بینی کتاب مقدسی نیست. بنابراین، جهان‌بینی کتاب مقدسی چه خواهد بود؟ نه آنقدر که او اشیا را دوست داشته باشد و از انسان‌ها استفاده کند، بلکه جهان‌بینی کتاب مقدسی، دوست داشتن انسان‌ها و استفاده از اشیا است. انسان‌ها وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نیستند.

اشیا وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف هستند، که این یک روش تفکر کاملاً متفاوت است. این چیزی است که ما اینجا روی آن کار می‌کنیم.

ما داریم روی این کار می‌کنیم که شما چطور فکر می‌کنید؟ و بگذارید به شما بگویم، حتی اگر حتی از فکر کردن خود آگاه نباشید، هنوز هم فکر می‌کنید و هنوز هم توسط آنچه که اینجاست هدایت می‌شوید، حتی اگر آن را ندانید. شما یک جهان‌بینی دارید. شما یک سیستم ارزشی دارید.

وقتی مسیحی می‌شوید، باید شروع به تغییر آن کنید. باید شروع به تطبیق خود با راه خدا کنید، نه با راه دنیا. و با انجام این کار، بالغ می‌شوید و تصمیمات بهتری می‌گیرید.

در واقع، همانطور که کسی گفته است، خداوند کار خود را بر اساس اشتباهات ما بنا می‌کند. او به ما اجازه می‌دهد اشتباه کنیم تا یاد بگیریم. و گاهی اوقات ما باید در نتیجه آن، جهان‌بینی و ارزش‌های خود را تنظیم کنیم.

بسیار خوب. ذهن متحول چیست؟ ذهن متحول یک فرآیند آموزشی است.

حال، به این نکته توجه کنید. آموزش. این فرآیند از عبادت شما نیست.

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا صبح‌ها ۱۵ تا ۳۰ دقیقه می‌نشینید و عبادت می‌کنید؟ بیرون می‌روید و یک ساعت بعد، فراموش می‌کنید که چه چیزی خوانده‌اید. به این دلیل است که چیزی یاد نگرفته‌اید. شما کتاب مقدس را می‌خوانید، که تمرین خوبی است.

اما فقط خواندن، یادگیری نیست. معنی آن چیست؟ زیرا وقتی متوجه می‌شوید معنی آن چیست، بر شما تأثیر می‌گذارد و آن را به خاطر می‌سپارید. فرآیند آموزشی که جهان‌بینی و ارزش‌های ما را با آموزه‌های کتاب مقدس مطابقت می‌دهد.

این همان ذهن دگرگون‌شده است. علاوه بر این، این منجر به یک فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود که عبارت است از تعامل آگاهانه جهان‌بینی و سیستم ارزشی ما در مبارزه روزمره زندگی. در اینجا نیز، این یک لغزش اساسی است.

این یک جمله‌ی کلیدی است که به جمله‌ای که قبلاً در مورد هدف من برای شما در این دوره صحبت کردیم برمی‌گردد. اینکه شما بتوانید به فردی تبدیل شوید که دارای تفکر خودآگاه است. این را هم باید روی کارت بنویسید.

شما باید بارها و بارها آن را بخوانید تا ذهنتان در آن جهت خاص حرکت کند. بسیار خوب، حالا بیایید از اینجا شروع کنیم. این ذهن متحول شده است.

خب، هدف ذهن دگرگون‌شده چیست؟ در اینجا، کمی با مورد قبلی تکراری مواجه می‌شویم. پرورش فردی که با تأمل خودآگاهانه بتواند انتقادی فکر کند. این یعنی کاوش انتقادی در مورد تصمیمات زندگی به شیوه‌ای که با جهان‌بینی و ارزش‌های کتاب مقدس سازگار باشد.

خب، آن نمودار کوچک که خیلی ساده به نظر می‌رسد، در واقع بسیار پیچیده است. همه چیز مربوط به داده‌هایی است که دنیای ما از اینجا عبور می‌کند. و آنچه اینجا است به آن داده‌ها معنا می‌دهد. خب، در دنیای خدا، همه چیز معنا دارد، همین.

می‌توانید آن را در فضا معلق کنید و معنا پیدا می‌کند. اما ما در مورد عملکرد یک انسان و یک مؤمن صحبت می‌کنیم. بنابراین، این نکته اصلی است.

بگذارید نکته‌ای را اینجا به شما بگویم. به عنوان یک مسیحی، وقتی با مردم صحبت می‌کنید، در مورد جهان‌بینی آنها صحبت کنید. از آنها بپرسید که جهان‌بینی شما چیست.

آنها نمی‌دانند شما درباره چه چیزی صحبت می‌کنید. و شما سعی می‌کنید به آنها کمک کنید تا بفهمند. به آنها گوش می‌دهید و سپس جهان‌بینی خود را به اشتراک می‌گذارید.

و سپس می‌توانند در مورد اینکه کدام جهان‌بینی به بهترین شکل زندگی را توضیح می‌دهد، به چالش کشیده شوند. این یک رویکرد عالی برای شهادت دادن و به اشتراک گذاشتن ایمان خود با مردم و کمک به آنها برای فکر کردن است، نه فقط واکنش نشان دادن به ادعاهای شما. خب، حالا بیایید از اینجا شروع کنیم.

باید کمی سریع‌تر پیش بروم. این سخنرانی خاص کمی طولانی‌تر است، چون ما با این مسائل مربوط به داشتن یک دید کلی سروکار داریم. بنابراین تصمیم‌گیری به روش خدا و سپس تشخیص اراده خدا مستلزم درک چگونگی کارکرد جهان‌بینی است.

خیلی خب، بفرمایید. ما تمام مدت داشتیم در مورد این صحبت می‌کردیم. بنابراین، لازم نیست من این را زیاد توضیح بدهم.

جهان‌بینی و ارزش‌ها. جهان‌بینی چارچوب ذهنی است که ما با آن جهان خود را توضیح می‌دهیم. به نموداری که قبلاً در مورد آن به شما گفتم، مراجعه کنید.

شما باید آن را درک کنید. علاوه بر این، ارزش‌ها باورهای شخصی هستند که از جهان‌بینی ما ناشی می‌شوند و تفکر و اعمال ما را هدایت می‌کنند. بنابراین، جهان‌بینی در اولویت قرار دارد.

و آنگاه محصول جهان‌بینی ما، ارزش‌های ما است. اگر جهان‌بینی ما عشق به خدا و عشق به همسایه‌مان است، نمی‌گوییم او که با بلندترین بال‌ها می‌میرد. ما می‌گوییم آنچه در زندگی واقعاً مهم است عشق به خدا و عشق به همسایه‌مان است.

و در نتیجه، این همه چیز را در مورد زندگی ما شکل می‌دهد. ما را هدایت می‌کند. جهان‌بینی و ارزش‌ها هستند که ما را هدایت می‌کنند.

هر کسی یک جهان‌بینی دارد. هر کسی ارزش‌هایی دارد که از آن سرچشمه می‌گیرد. برایم مهم نیست تو کی هستی.

اهمیتی نمی‌دهم اگر کاملاً از این واقعیت که چنین عقده‌ای دارید بی‌خبر باشید، اما دارید. و باید با آن ارتباط برقرار کنید و آن را توسعه دهید. بسیار خوب، بیایید کمی بیشتر فکر کنیم.

بسیار خب. اینکه ما چگونه به جهان خود نگاه می‌کنیم. ما چگونه به جهان خود نگاه می‌کنیم؟ متوجه خواهید شد که در وسط، آن جهان‌بینی‌ای است که ما از طریق ذهن خود به طرق مختلف در مورد آن صحبت کرده‌ایم.

اما ببینید، در مورد آموزش قضاوت می‌کند. در مورد مراقبت‌های بهداشتی، نهادهای حقوقی و نگرانی‌های زیست‌محیطی قضاوت می‌کند. می‌بینید، ما متون اثباتی نداریم که به راحتی همه این موارد را برای ما تشخیص دهد.

سیاست، نهادهای مذهبی، خانواده و هنر. اما این جهان‌بینی است که ما را در هر مقوله‌ای از زندگی هدایت می‌کند. بنابراین، اگر در مورد آن تصمیم می‌گیرید، آیا از آموزش عمومی استفاده کنم؟ آیا از آموزش خصوصی استفاده کنم؟ آیا از آموزش در خانه استفاده کنم؟ شما این تصمیمات را از طریق جهان‌بینی خود می‌گیرید.

و شما باید بتوانید در مورد آن آگاه باشید و در نحوه انجام آن سنجیده عمل کنید. همه این مسائل مربوط به ماهیت امور را در نظر بگیرید. در برخی از نقاط کشور ما، آموزش عمومی نیمی از اوقات توسط مسیحیان تدریس می‌شود.

و این جهان‌بینی حتی با اینکه بخشی از عرصه عمومی نیست، نفوذ می‌کند. و با این حال، در عین حال، گاهی اوقات یک شهر بزرگ مکان مناسبی برای حضور یک کودک نیست، به خصوص در شهری که تحت سلطه

نگرش غیرخدایی است، که بسیاری از شهرهای بزرگ چنین هستند. بنابراین، شما باید در مورد آن قضاوت کنید.

بنابراین اینگونه است که ما جهان خود را می‌بینیم. ما آن را از طریق شبکه می‌بینیم. ما آن را از طریق جهان‌بینی و فرآیند ارزش‌ها می‌بینیم.

از این زاویه به آن نگاه کنید. تصمیمات مربوط به کنترل بارداری، سقط جنین، وصیت‌نامه‌های مربوط به زندگی، امور مالی و آموزش کودکان. این نوعی تکرار است، اما در اینجا، من آن را در مدل قرار می‌دهم.

از جهان‌بینی عبور کن. پاسخ‌های تو به این نوع سوالات، محصول جهان‌بینی و نظام ارزشی توست. بسیار خوب.

حالا باید در موردش فکر کنی چون این فقط به مرور کلی بود. من همین الانشم خیلی از اون چیزی که برای وقتم می‌خوام، گذشته. و بنابراین، باید برم سراغش.

به یاد داشته باشید، ما به تک تک این دسته‌ها برمی‌گردیم و آنها را با جزئیات بیشتری بررسی می‌کنیم تا به شما کمک کنیم. اما در حال حاضر، می‌خواهم تصویر کلی را به دست آورید. امیدوارم که کم‌کم تصویر کلی از معنای تشخیص اراده خدا از یک جهان‌بینی و فرآیند ارزش‌ها را به دست آورده باشید.

ما باید یاد بگیریم که چگونه کتاب مقدس را بخوانیم. من خیلی سریع همین‌جا شروع می‌کنم. وقتی به این موضوع در عهد عتیق و عهد جدید نگاه می‌کنیم، کتاب مقدس چگونه از عبارت اراده خدا استفاده می‌کند؟ اراده خدا به معنای خواستن، خشنود کردن، خشنود کردن خدا، انتخاب کردن، لطف کردن، دوست داشتن تعیین کردن است.

ما در عهد عتیق و عهد جدید در مورد آن صحبت خواهیم کرد. الان لازم نیست زیاد به آن پردازم، اما به آن مطالب نگاهی خواهیم انداخت. علاوه بر این، مطالعه زبان اراده خدا چندین نکته را آشکار می‌کند.

خداوند اراده‌ای حاکم دارد. ما آن را تعریف خواهیم کرد. و آن قلمرو ما نیست.

چیزهای مخفی متعلق به خداوند است. چیزهایی که آشکار می‌شوند متعلق به ما هستند. بسیار خوب.

و ضمناً، توجه کنید که آیه نمی‌گوید شما باید بفهمید چه چیزی پنهان است. وظیفه شما این نیست که بفهمید چه چیزی پنهان است. وظیفه شما اطاعت از کلام و انجام اراده خداست.

اراده اخلاقی خدا، خواسته‌های او برای خلقت انسان را آشکار می‌کند. از طریق کتاب مقدس، ما همه چیز را از ده فرمان گرفته تا بخش بسیار کوچکی در کتاب خروج در مورد شریعت داریم. آنها قوانین حقوقی بودند.

برای مثال، اگر شما یک گاو نر دارید که می‌تواند به همسایه‌تان آسیب برساند، شما مسئول آن هستید. اگر سگی دارید که می‌تواند همسایه‌تان را گاز بگیرد، شما مسئول آن هستید. و بنابراین این [مطلب خیلی خیلی مختصر آموزش می‌دهد].

اما آنچه ما داریم روایت کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید است که به ما نشان می‌دهد خدا چگونه می‌خواهد ما عمل کنیم. او انواع داستان‌ها را در این زمینه به ما می‌دهد. و امثال را به ما می‌دهد.

او به ما مزامیر و بسیاری از جاهایی که حکمت از آنها سرچشمه می‌گیرد، می‌دهد. بعداً در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد. همچنین، نصایح کتاب مقدس در مورد اراده خدا، انجام دادن است.

در هیچ کجای کتاب مقدس به ما گفته نشده است که اراده خدا را پیدا کنیم. اکنون باید تشخیص دهیم. باید جستجو کنیم.

ما باید مطالعه کنیم. ما با مطالعه پیدا می‌کنیم. اما واقعیت این است که آنجاست

این چیزی نیست که آنجا باشد و ما مجبور باشیم آن را از آسمان به دست آوریم. بنابراین، به یاد داشته باشید که اراده خدا عملی است. اراده خدا چیزی نیست که شما مجبور باشید بگویید، خب، پروردگارا، به من بگو چه کار کنم.

باشه. اگه قرار باشه صدایی از بهشت بشنوی، همین صدا خواهد بود. قبلاً هم بهت گفتم

دست به کار شو. ذهنت را متحول کن. آن ذهن متحول شده را برای پاسخ به سوالات زندگی از ارزش‌های من بگیر.

این پیامی است که خدا برای ما دارد. ما دوباره آن را باز خواهیم کرد. من باید از اینجا جلوتر بروم تا سعی کنم روند کار را به شما نشان دهم و اینکه قرار است بسیاری از این جزئیات مختلف را پوشش دهیم.

بنابراین مطالعه دقیق کتاب مقدس در مورد اراده خدا، ما را به سمت خواندن کتاب مقدس به شیوه‌های وسیع‌تر سوق می‌دهد. کتاب مقدس چگونه به سوالات ما پاسخ می‌دهد؟ دوستان من، وظیفه ما این نیست که به دنبال یک متن اثبات، یک متن اثبات مستقیم باشیم. و من در سخنرانی دیگری در مورد مفاهیم مستقیم و ساختارهای خلاقانه صحبت خواهم کرد.

این برای یافتن یک متن اثبات نیست. این برای یافتن یک معنا است. اراده خدا به طرق مختلف از کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد.

خدا چگونه با بشریت رفتار می‌کند؟ سقوط وجود دارد، اما از سقوط تا آمدن عیسی، خدا ما را نجات می‌دهد. او به نوعی ما را تعقیب می‌کند. او پیامبران را فرستاده است.

او رسولان را فرستاد. و فرستادگان خود را فرستاد تا به ما اطلاعاتی بدهند تا به ما کمک کنند از طریق آن اطلاعات، نه در اطراف آن، نه علاوه بر آن، بلکه از طریق آن اطلاعات، به او برسیم. مطالعه دقیق اراده خدا ما را به سمت خواندن کتاب مقدس به شیوه‌های بسیار وسیع‌تری سوق می‌دهد.

کتاب مقدس کافی است. برای همه چیز متن اثبات شده‌ای به ما نمی‌دهد، اما طرز فکری به ما می‌دهد که می‌توانیم با آن مسائل زندگی را استدلال کنیم. اکنون، سه سطح از تعلیم وجود دارد.

این یک سخنرانی کامل خواهد بود که بعداً به آن خواهیم پرداخت. در سطح مستقیم، قبلاً به ساختارهای ضمنی و خلاقانه اشاره کرده‌ام. سطح مستقیم، سطح آسانی است.

هدف آموزشی کتاب مقدس را که می‌توانیم نشان دهیم، و اکثر مسیحیان در سراسر جهان با آن موافق هستند. اما سپس به سطوح ضمنی و ساختارهای خلاقانه می‌رسیم. بعداً در مورد آن توضیح خواهیم داد.

و همینطور که از پایین به بالا می‌روید، از - و من آن را ساده می‌نامم، هرچند لزوماً ساده نیست - از آموزه‌های مستقیم به ساختارهای پیچیده‌تر مانند همه هزاره‌گرایی، پیشاهزاره‌گرایی و چیزهایی در حوزه کالونیسیم یا آرمینیوسی می‌روید. همه اینها ساختارهای خلاقانه‌ای هستند که بر اساس کتاب مقدس ساخته شده‌اند. آنها لزوماً متن اثبات شده نیستند.

حالا، این فکر بزرگی است که باید در مورد آن فکر کنید. توسعه جهان‌بینی و ارزش‌ها. تحقق اراده خدا نیازمند الگویی گسترده برای توسعه جهان‌بینی و مجموعه ارزش‌های کتاب مقدس است.

بارها و بارها این را گفته‌ام، مگر نه؟ تکرار کلید یادگیری است. مشاهده‌ی چگونگی رشد نسل‌های متوالی مؤمنان به کتاب مقدس، و در اینجا یک جمله‌ی بسیار مهم، یک ذخیره‌ی ارزش‌ها، ذخیره‌ی ارزش‌ها از زمانی که حقیقت را آشکار می‌کنیم، به ما یک الگو می‌دهد. ما داستان‌ها را می‌بینیم.

یکی از داستان‌های فوق‌العاده‌ای که با جزئیات بیشتر در مورد آن با شما صحبت خواهیم کرد، داستان لوط است و اینکه چگونه او الگویی برای نقض ارزش‌های ودیعه‌گذاری شده از ابراهیم است که مدت‌ها قبل از اینکه کتاب مقدس نوشته و حتی در دوران موسی مدون شود، به او داده شده بود. بنابراین، وحی با گذشت زمان متمرکزتر می‌شود. ما برخی از مبانی را در اختیار داریم.

سپس مزامیر، انبیا، و سپس به عیسی می‌رسیم، و عهد جدید به نوعی تعدادی از موارد عهد عتیق را در تکامل خود تکرار می‌کند. اما همه اینها در حال توسعه ارزش‌ها هستند. برای داشتن یک ارزش لازم نیست حتماً یک فرمان داشته باشید.

شما پیشرفت را می‌بینید، ارزش‌های داستان‌ها را می‌بینید، اینکه چگونه مزورنویس با ناامیدی خود برخورد می‌کند، چگونه با تضادها کنار می‌آید. همه اینها ارزش‌های در حال رشدی هستند که ما را در زندگی خودمان هدایت می‌کنند. اینجاست که حکمت از آن سرچشمه می‌گیرد.

حکمت از آسمان نمی‌افتد. حکمت ایده‌ی درخشان من نیست. حکمت چیزی است که از جهان‌بینی و ارزش‌های تعیین‌شده‌ی کتاب مقدس نشأت می‌گیرد.

حکمت انجام دادن کاری که مصلحت است نیست. حکمت انجام دادن کاری که منطقی به نظر می‌رسد نیست، زیرا در یک ذهن سقوط کرده، ما به خودی خود منطقی نیستیم. ما از طریق یک ذهن دگرگون شده و بر اساس آنچه خدا به ما آموخته است، منطقی می‌شویم.

بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت. اراده خدا در پایین نمودار آشکار شده است. خدا اراده‌ای حاکمانه دارد.

خدا یک اراده اخلاقی دارد. و شما چگونه اراده خدا را اعمال می‌کنید؟ خب، اراده خدا از طریق تشخیص الهی اعمال می‌شود. از طریق تشخیص الهی اعمال می‌شود.

اراده خدا در تشخیص الهی یافت می‌شود. این نوعی تغییر در مدل چوب با مسئله جهان‌بینی و ارزش‌ها است. می‌توانید ببینید که چگونه این از هدف آموزشی کتاب مقدس به تحلیل الهیاتی آن منتهی می‌شود.

خداترسی یعنی اینکه بتوانید از کتاب مقدس پیروی کنید، حتی وقتی که متن تایید شده‌ای ندارید. این بسیار مهم است. ما دوباره در اینجا در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

ما داریم به نظرسنجی انجام می‌دیم. داریم به تصویر کلی ازش می‌گیریم. خیلی خب.

ما به جایی می‌رسیم که تشخیص اراده خدا مستلزم مواجهه با چالش‌های ذهنی است. حالا تقریباً بیست دقیقه از زمانی که معمولاً برای یک سخنرانی در نظر داریم، بیشتر است. من معمولاً می‌خواهم سخنرانی‌ها یک ساعت و کمتر طول بکشد.

اما در این مورد، همانطور که می‌بینید، سعی می‌کنم کل داستان را برای شما تعریف کنم و خیلی سریع هم پیش می‌رود. اما امیدوارم که این را بارها و بارها مرور کنید تا ایده اصلی را بگیرید و سپس بتوانید سخنرانی‌های مقدماتی را که به صورت جزء به جزء برایتان ارائه خواهم داد، شروع کنید. چالش‌های ذهنی عبارتند از: چالش وجدان، چالش نقش روح، مشیت الهی و دعا.

اینها برخی از مهمترین آنها هستند. و ما در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. من سخنرانی‌هایی دارم که به هر یک از این دسته‌ها مربوط می‌شود.

الان نمی‌خواهم این را باز کنم. اما در مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها، همه این موارد در نظر گرفته شده است. و ما در مورد چگونگی عملکرد وجدان و روح در درون ما در رابطه با آن اطلاعات صحبت خواهیم کرد.

بسیار خوب. می‌خواستم اینجا بیشتر در موردش حرف بزنم، اما بعداً می‌گویم. آیا این درست است یا غلط؟ بگذارید وجدانتان راهنمای شما باشد.

بعداً به این سوال پاسخ خواهیم داد. درست یا غلط؟ وجدان یک نهاد مستقل در درون شماست. آیا این درست است یا غلط؟ وجدان چگونه بخشی از ترکیب انسان است؟ سوم، درست یا غلط؟ وجدان فضایی باز برای شنیدن نظرات مختلف است.

شاید صدای خدا، شاید صدای شیطان. چطور این را تشخیص می‌دهید؟ و آیا اصلاً وجدانی باز، اتاقی برای مخاطبان باز است؟ اینها سوالاتی در مورد وجدان هستند که در موردشان صحبت خواهیم کرد. ویژگی‌های وجدان.

این یک ظرفیت خدادادی برای انتقاد از خود است. خداوند ما را با این مکانیسم که ما آن را وجدان می‌نامیم، آفریده است. و کتاب مقدس به طور خاص آن را در عهد جدید تعریف می‌کند.

این مکانیسمی برای ارزیابی جهان‌بینی و ارزش‌های ماست. بعداً در مورد آن با شما صحبت خواهیم کرد. این یک شاهد است.

کلمه «شاهد» اصطلاح کلیدی است. وجدان، گواهی بر جهان‌بینی و نظام ارزشی است که ما آن را می‌شناسیم، و به کار می‌بریم. وقتی پولس مسیحیان را آزار و اذیت می‌کرد، احتمالاً در سنگسار استیفاں حضور داشتند. پولس فکر می‌کرد که در حال انجام خدمت به خداست.

جهان‌بینی و ارزش‌های او به هم ریخته بود. او در آن زمان راه خدا را با مسیح ندیده بود. خدا مجبور شد زندگی پولس را در جاده دمشق متوقف کند و او را تغییر دهد تا جهان‌بینی و ارزش‌های او شروع به اصلاح کند.

و او توانست خودش را نقد کند و خطای راهش را ببیند. بنابراین بدون یک جهان‌بینی و سیستم ارزشی خوب، ما ظرفیت محدودی برای خودانتقادی داریم. حالا می‌خواهم چیزی بگویم که ممکن است کمی شما را شوکه کند، اما مسیحیان بدجنس زیادی وجود دارند.

کلی خواننده‌ی درجه یک تو کلیسا هست. کلی خودخواهی هست. کلی کنترل آمرانه وجود داره

مردمی که خودشان را نمی‌شناسند. حکومت کردن به جای رهبری کردن. رهبری کردن با حکومت کردن خیلی فرق دارد.

و جهان‌بینی شما باید به شما برسد. و اگر جهان‌بینی شما اشتباه باشد، فکر می‌کنید کار درست را انجام می‌دهید. اما کتاب مقدس باید بهتر به شما برسد و به شما کمک کند تا بفهمید که آنجا نیستید.

این شاهدهی بر جهان‌بینی و نظام ارزشی است که ما آن را می‌شناسیم و به کار می‌بریم. این همان وجدان است. یک مانیتور است.

این قاضی نیست. کتاب مقدس از اصطلاح شاهد استفاده می‌کند. یک شاهد آنچه را که می‌بیند به شما می‌گوید.

وجدان، جهان‌بینی و ارزش‌ها را می‌بیند و در مورد آنها به شما می‌گوید. او قاضی نیست. جهان‌بینی و ارزش‌ها را به شما نمی‌دهد.

و بعداً این را با جزئیات برای شما توضیح خواهم داد. روح القدس یکی دیگر از مواردی است که سوالات زیادی را در ذهن شما ایجاد خواهد کرد. درست یا غلط.

نقش روح القدس تکمیل اطلاعات کتاب مقدس با مطالب اضافی است. بعداً به این سوال پاسخ خواهم داد. درست یا غلط.

روشنایی اصطلاحی است که اغلب استفاده می‌شود. اصطلاح خیلی خوبی نیست، اما استفاده می‌شود. این روش خدا برای ارائه تفسیر صحیح کتاب مقدس است.

بعداً در موردش صحبت می‌کنیم. الان بهت می‌گویم. همین موضوع در مورد مشیت الهی هم صادق است.

ما در درس سیزدهم الهیات، یک سخنرانی کامل در مورد مشیت الهی خواهیم داشت. علاوه بر این، در مورد دعا صحبت خواهیم کرد. دعا در اینجا یک چالش است و این یک حوزه ذهنی دیگر است.

این در فصل ۱۴ از مجموعه قوانین خداوند آمده است. بسیار خوب، تشخیص اراده خداوند نیازمند سیستمی است که دانش کتاب مقدس را در چارچوب جهان‌بینی شما پردازش کند. این همان نمودار ساده و کوچک از داده‌ها، طرز فکر و معنا است.

اما این چیز بزرگی است، اینطور نیست؟ منظورم این است که ما باید از خودمان آگاه شویم. یک شاعر گفته است که حتی شاعری که به خدا ایمان نداشته، جمله‌ای بسیار درست گفته است. زندگی بررسی نشده ارزش زیستن ندارد.

و متأسفم که باید بگویم بسیاری از مسیحیان هرگز خودشان و نحوه برخوردشان با زندگی را واقعاً بررسی نکرده‌اند. آنها کتاب مقدس و نحوه ارتباطشان با کتاب مقدس و نحوه زندگی‌شان را بررسی نکرده‌اند. آنها زندگی را دستکاری می‌کنند.

آنها به جای رسیدگی به مسائل زندگی، مردم را دستکاری می‌کنند. خوب، آن سیستم فقط با یک نمایش در آن نمودار نشان داده شده است. شما باید یک کپی بزرگ از این اسلاید، در یک صفحه کامل، برای خودتان درست کنید.

بعداً به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. من به انتهای زمان مورد نظرم رسیده‌ام. می‌دانستم که در رابطه با این مجموعه اسلاید خاص کمی بیشتر طول می‌کشد، اما فکر می‌کنم مهم است.

و می‌دانم که تند رفتیم، اما شما یادداشت‌ها را دارید. می‌توانید چند بار به سخنرانی گوش دهید. فقط یک ساعت است.

می‌توانید آن را به بخش‌های مختلفی از زمان که در اختیار دارید، تقسیم کنید. سعی کنید تصویر کلی، نکته اصلی ذهن متحول و سیستم ارزشی ناشی از آن را درک کنید تا وقتی آن را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم، بدانید که در کجای الگوی کلی قرار می‌گیرد. خوب، از گوش دادن شما متشکرم.

بخشید، صدایم کمی گرفته است. من اخیراً در کلاس درس تدریس نکرده‌ام، بنابراین، بنابراین، اینجا تدریس می‌کنم. کمی چالش‌برانگیز می‌شود.

بنابراین از حضورتان متشکرم. از گوش دادن‌تان متشکرم. لطفاً با سرعت دلخواه خودتان ادامه دهید، اما همینجا، برای شما مناسب است و اطلاعات زیادی برای فکر کردن در اختیارتان قرار دارد.

بنابراین اطلاعات تماس من در یادداشت‌های صفحه اول وجود دارد. من یک ایمیل دارم که می‌توانید با آن ارتباط برقرار کنید. همچنین وبسایت خودم را ذکر کرده‌ام که می‌توانید از طریق آن با من تماس بگیرید.

و اگر سوالی دارید، من از تعامل با آنها بسیار خوشحال می‌شوم. به یاد داشته باشید، گاهی اوقات رسانه‌های اجتماعی، تلفن‌ها و حتی رایانه‌ها در مورد چیزهایی که وارد می‌شوند قضاوت می‌کنند و آنها را به سطل زباله می‌اندازند یا به جایی که نباید باشند، می‌فرستند. بنابراین اگر وقتی سوالی پرسیدید از من خبری نشد، دوباره امتحان کنید، زیرا گاهی اوقات به جایی می‌رود که من نمی‌بینم.

بسیار خوب، پس خدا شما را حفظ کند. در رابطه با چیزهایی که در موردشان صحبت کردیم، وقت دعای در بخش بعدی خواهیم دید. متشکرم GM2 خودتان را داشته باشید، و من شما را در سخنرانی